

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استعاره و شناخت

آزیتا افراشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۱۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

استعاره و شناخت

مؤلف: آرزیتا افراشی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: ربابه ابوطالبی

چاپ اول: ۱۳۹۷، چاپ دوم: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: افراشی، آرزیتا، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: استعاره و شناخت/ آرزیتا افراشی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ک، ۱۵۰ ص.

شابک: 978-964-426-975-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: استعاره

موضوع: Metaphor

موضوع: معنی‌شناسی

موضوع: Semantics

شناسه افزودن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزودن: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۵ الف / PN۲۲۸

رده بندی دیویی: ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۳۳۱۵۶

فهرست مطالب

پیش‌گفتار..... ط

فصل اول: پیش‌زمینه..... ۱

۱-۱ مقدمه..... ۱

۲-۱ نظریهٔ عصب‌شناختی زبان و استعارهٔ مفهومی..... ۲

۳-۱ مفروضات اصلی نظریهٔ استعاره..... ۴

۴-۱ جمع‌بندی مطالب..... ۵

فصل دوم: استعارهٔ مفهومی چیست؟..... ۷

۱-۲ مقدمه..... ۷

۲-۲ نگاهت..... ۱۱

۳-۲ حوزهٔ مبدأ و حوزهٔ مقصد..... ۱۴

۱-۳-۲ استعاره‌های دانش‌بنیاد و طرح‌واره‌بنیاد..... ۱۶

۴-۲ انواع استعاره‌های مفهومی..... ۱۹

۱-۴-۲ استعاره‌های جهت‌ی..... ۱۹

۲-۴-۲ استعاره‌های ساختی..... ۲۲

۳-۴-۲ استعاره‌های هستی‌شناختی..... ۲۳

۴-۴-۲ استعاره‌های تصویری..... ۲۴

۵-۴-۲ کلان‌استعاره‌ها..... ۲۵

۲-۵ جمع‌بندی مطالب..... ۲۶

فصل سوم: استعاره و حس آمیزی..... ۲۹

۱-۳ مقدمه..... ۲۹

۲-۳ نگاشت در استعاره‌های حس آمیخته..... ۳۱

۳-۳ انتقال حواس..... ۳۳

۱-۳-۳ سلسله مراتب انتقال حواس..... ۳۴

۳-۳-۳ سلسله مراتب استعاره‌های حس آمیخته..... ۳۶

۳-۴ جمع‌بندی مطالب..... ۳۷

فصل چهارم: استعاره‌های عواطف..... ۳۹

۱-۴ مقدمه..... ۳۹

۲-۴ شناخت، عواطف و استعاره..... ۴۰

۳-۴ طبقه‌بندی عواطف..... ۴۱

۴-۴ رویکردهای مختلف به معنای عواطف..... ۴۳

۵-۴ ساختار استعاره‌های عواطف..... ۴۵

۶-۴ استعاره‌های عواطف و اندام‌واژه‌ها..... ۴۷

۶-۴ ماتسوکی (۱۹۹۵): استعاره‌های خشم در ژاپنی..... ۴۸

۷-۴ استعاره‌های درد..... ۵۱

۸-۴ جمع‌بندی مطالب..... ۵۴

فصل پنجم: استعاره و فعل‌های حسی..... ۵۷

۱-۵ مقدمه..... ۵۷

۲-۵ فعل‌های حسی به‌مثابه مفاهیم حوزه مبدأ در استعاره‌های مفهومی..... ۵۸

۳-۵ فعل‌های حسی و اندام‌واژه‌های مرتبط در استعاره‌های مفهومی..... ۶۲

۴-۵ بسط استعاری افعال حسی و حوزه‌های مقصد..... ۶۴

۵-۵ جمع‌بندی مطالب..... ۶۶

فصل ششم: استعاره و مفهوم زمان..... ۶۹

- ۱-۶ مقدمه..... ۶۹
- ۲-۶ رابطه مقولات و زمان..... ۷۰
- ۳-۶ مفهوم زمان..... ۷۲
- ۴-۶ زمان به مثابه مکان و شیء..... ۷۳
- ۵-۶ زمان و حرکت..... ۷۶
- ۱-۵-۶ زمان و تقابل سکون و حرکت..... ۷۸
- ۶-۶ جمع‌بندی مطالب..... ۷۹

فصل هفتم: استعاره و پیکره..... ۸۱

- ۱-۷ مقدمه..... ۸۱
- ۲-۷ پیکره‌های زبانی..... ۸۲
- ۳-۷ جستجوی عبارت‌های استعاری در پیکره..... ۸۴
- ۴-۷ انتخاب واژه‌ها در نگارش نگاشت‌ها..... ۸۷
- ۵-۷ کارایی‌های مطالعه استعاره‌های مفهومی به روش پیکره‌ای..... ۹۰
- ۶-۷ جمع‌بندی مطالب..... ۹۲

فصل هشتم: استعاره و مجاز..... ۹۵

- ۱-۸ مقدمه..... ۹۵
- ۲-۸ مجاز چیست؟..... ۹۸
- ۳-۸ تحلیل نمونه‌های مجاز..... ۱۰۰
- ۴-۸ تفاوت استعاره و مجاز..... ۱۰۴
- ۵-۸ ماهیت مجاز مفهومی..... ۱۰۴
- ۶-۸ نقش مجاز..... ۱۰۷
- ۷-۸ جمع‌بندی مطالب..... ۱۰۸

فصل نهم: استعاره و فرهنگ..... ۱۱۱

- ۱-۹ مقدمه..... ۱۱۱

ح استعاره و شناخت

- ۲-۹ همگانی بودن استعاره‌ها ۱۱۲
- ۳-۹ انگیزش همگانی در استعاره‌های مفهومی ۱۱۴
- ۴-۹ استعاره‌های اولیه و استعاره‌های فرهنگ‌بنیاد ۱۱۸
- ۵-۹ جمع‌بندی مطالب ۱۱۹

۱۲۱ **واژه‌نامه**

۱۳۱ **کتابنامه**

پیش‌گفتار

استعاره مفهومی بی‌تردید تنها موضوع و الزاماً مهم‌ترین موضوع پژوهش در زبان‌شناسی شناختی نیست، ولی شاید بتوان گفت به سبب سامان‌یافتگی چارچوب تحلیل، مشهورترین موضوعی است که عموماً زبان‌شناسی شناختی را با آن می‌شناسند. امروزه در دنیا پژوهش درباره استعاره‌های مفهومی به یک تخصص تبدیل شده‌است و زبان‌شناسانی را می‌توان برشمرد که عمده آثارشان به پژوهش در حوزه استعاره‌های مفهومی اختصاص دارد.

استعاره مفهومی یک پدیده چندبُعدی است که موجب شده پژوهشگرانی با تخصص‌های گوناگون به آن پردازند. استعاره مفهومی در زبان خودکار، ادبیات، رشد و فراگیری زبان کودک، عصب‌شناسی، نشانه‌شناسی، دین‌پژوهی، مطالعات ترجمه، مطالعه فرهنگ، رسانه و حوزه‌های دیگر، موضوع پژوهش به‌شمار می‌آید. گاهی نیز استعاره‌های مفهومی، خود موضوع پژوهش نیستند ولی به‌مثابه ابزار، در حوزه‌های دیگری چون سبک‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و واژگان‌نگاری به‌کار گرفته می‌شوند.

پژوهش بر استعاره‌های مفهومی در زبان‌شناسی، فنون و شیوه‌های تحلیل روشنی دارد؛ هرچند انجام تحلیل‌های دستی بر پیکره‌های وسیع و تبیین نتایج تحلیل استعاره‌ها دشواری‌هایی به همراه دارد.

زمانی که تصمیم گرفتم کتاب حاضر را درباره جنبه‌های مختلف پژوهش بر استعاره‌های مفهومی به نگارش درآورم، سال‌ها بود که این موضوع را در کلاس‌های کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی تدریس می‌کردم و درباره آن مقالات متعددی نوشته و منتشر و چندین کارگاه و سخنرانی درباره این موضوع برپا کرده بودم. به پشتوانه این فعالیت‌ها و نیز نگارش کتابی پیش از آن به نام *مبانی معناشناسی شناختی* (۱۳۹۵)، کتاب حاضر در ۹ فصل به قرار زیر نوشته شد: فصل ۱: پیش‌زمینه، که به اجمال به مبانی عصب‌شناختی استعاره‌های مفهومی

می‌پردازد؛ فصل ۲: استعاره مفهومی چیست؟ ساخت استعاره و انواع آن را توضیح می‌دهد. فصل ۳: استعاره و حس آمیزی؛ که نخستین بار به زبان فارسی در همین کتاب به آن پرداخته شده است. فصل ۴: استعاره‌های عواطف؛ که به پشتوانه پژوهش‌های پیکره‌ای صورت‌گرفته در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به هدایت اینجانب و همکاری دانشجویان محترم رشته زبان‌شناسی و استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفی عاصی تکوین یافته است. فصل ۵: استعاره و فعل‌های حسی؛ که رابطه‌ای است بین دو حوزه مطالعه یعنی فعل‌های حسی و مطالعات استعاره که در آثار غیرایرانی و ایرانی پیشینه‌ای ندارد و نخستین بار در این کتاب در قالب فصلی مجزا به آن پرداخته شده است. فصل ۶: استعاره و مفهوم زمان؛ که پیش‌تر از سوی نگارنده در قالب سخنرانی و کارگاه به آن پرداخته شده است. فصل ۷: استعاره و پیکره؛ که در نتیجه پژوهش‌های پیکره‌ای نگارنده و دانشجویان بر پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی (PLDB) شکل گرفته است. فصل ۸: استعاره و مجاز؛ که در صدد است زمینه‌ای برای پیشنهاد نظریه مجاز مفهومی ارائه دهد. فصل ۹: استعاره و فرهنگ؛ که به منظور معرفی استعاره‌های اولیه و فرهنگ‌بنیاد نگارش یافته است.

لازم می‌دانم پیش از ورود به بحث اصلی، گزارشی از آثار ایرانی موجود درباره استعاره‌های مفهومی ارائه دهم؛ زیرا معتقدم شکل گرفتن هر اندیشه و اثری متأثر از بافتی است که در آن به وجود می‌آید. درباره استعاره‌های مفهومی کتاب‌هایی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است که عبارتند از: مجموعه مقالاتی به کوشش ساسانی (۱۳۸۳)؛ بارسلونا^۱ (۱۳۹۰)؛ گیرارتز^۲ (۱۳۹۳)؛ لیکاف^۳ و جانسون^۴ (۱۳۹۴)؛ کووچش^۵ (۱۳۹۳) و پانتز^۶ (۱۳۹۴). کتاب‌های تألیفی درباره استعاره‌های مفهومی به زبان فارسی عبارتند از: قائمی‌نیا (۱۳۹۰)، داوری اردکانی (۱۳۹۱) و نیلی‌پور (۱۳۹۴) که به سبب ارائه مصاحبه‌هایی با لیکاف درباره استعاره‌های مفهومی در این ارتباط اهمیت بسیار دارد و هاشمی (۱۳۹۴) که استعاره‌های مفهومی را برای تحلیل ادبیات به کار گرفته است.

1. A. Barcelona
 2. D. Geeraerts
 3. G. Lakoff
 4. M. Johnson
 5. Z. Kövecses
 6. D. Panther

پیش‌گفتار ک

در طبقه‌دیگر، پایان‌نامه‌هایی قابل‌ذکر است که مشخصاً با موضوع استعاره‌های مفهومی به نگارش درآمده‌اند: کریمی (۱۳۹۱)، طالبی (۱۳۹۱) و موسوی‌نسب (۱۳۹۲) در زمرة آثاری قرار دارند که به حوزه استعاره‌های عواطف و درد با رویکرد معناشناسی شناختی می‌پردازند. جولایی (۱۳۹۱)، و صامت (۱۳۹۲) از مهم‌ترین آثاری‌اند که به روش پیکره‌ای به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته‌اند. زورروز (۱۳۹۲) و تباری (۱۳۹۴) برای اولین بار به روش پیکره‌ای و با رویکرد شناختی به تحلیل استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف پرداخته‌اند. پس از آن‌ها باید به پایان‌نامه‌های قوچانی (۱۳۹۵) و جاوید (۱۳۹۵) به ترتیب در حوزه‌های عاطفی ترس و غم در زبان فارسی اشاره کرد.

در زمرة مقاله‌هایی که بستر شکل‌گرفتن این کتاب را فراهم آورده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افراشی، حسامی، سالاس (۱۳۹۱)؛ افراشی، حسامی (۱۳۹۲) و افراشی، صامت (۱۳۹۱) که به روش پیکره‌ای به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته‌اند. افراشی، مقیمی‌زاده (۱۳۹۳) و زورروز، افراشی، عاصی (۱۳۹۲) به استعاره‌های مفهومی عواطف به روش پیکره‌ای پرداخته‌اند. افراشی، یگانه (۱۳۹۵) طبقه‌ای خاص از استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. افراشی (۱۳۹۴) نیز به بازنمود استعاری مفهوم زمان پرداخته است.

نگارش این کتاب مدیون جلسات پرسش‌ور کلاس‌های درس زبان‌شناسی شناختی، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. اندیشه‌های خلاقانه و پرسش‌های بی‌نظیر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا هر لحظه موجب می‌شد اندیشه‌ها بر برگ‌های این کتاب نقش ببندند. همکاری و همفکری لحظه به لحظه خانم فاطمه تباری در نگارش این کتاب بسیار مؤثر بود. همچنین مدیون لطف خانم طاهره همتی هستم که با رویی گشاده در آماده‌سازی نسخه نهایی کتاب به من کمک کردند. از خانم سعیده قندی به سبب مساعدت در یافتن داده‌های پیکره‌ای و دستیابی به منابع متشکرم. از آقای کامیار جولایی و خانم صبا عنایتی که با بازخوانی کتاب به برطرف شدن برخی ابهامات کمک کردند بسیار متشکرم. از خانواده‌مهربانم به‌سبب انگیزه‌ای که به من می‌بخشند و احترامی که برای پژوهش قائل‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از همکار ارجمند جناب آقای زعفرانچی مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌خاطر حمایت از این اثر متشکرم. این مختصر را به دانشجویانی که به پژوهش بر استعاره‌های مفهومی علاقمندند تقدیم می‌کنم.

آرینا افراشی

مهرماه ۱۳۹۵

دانشیار زبان‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل اول

پیش‌زمینه

۱-۱ مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، پژوهش درباره استعاره‌های مفهومی به یک حوزه مطالعه کانونی در زبان‌شناسی شناختی تبدیل شده است. چگونگی اهمیت یافتن حوزه مطالعه استعاره مفهومی می‌تواند گزینه‌ای برای آغاز این نوشته باشد. گیرارتز و کویکنز^۱ (۲۰۰۷: ۶) معتقدند زبان‌شناسی شناختی به دانشی که به وسیله زبان بازنمود می‌یابد توجه دارد. استعاره‌های مفهومی حوزه مناسبی برای بررسی بازنمود فرایندهای ذهنی در زبان‌اند و به همین سبب از این جایگاه مهم در زبان‌شناسی قرن بیست‌ویکم برخوردار شده‌اند.

کشف شبکه نوروهای آینه‌ای^۲ یکی از وقایع علمی مهمی بود که چون شواهد تجربی قابل‌استنادی برای مطالعه استعاره‌های مفهومی به دست می‌داد، موجب شد تا این نظریه در کانون توجه قرار گیرد. لیکاف (۲۰۰۹) می‌گوید انقلاب عصب‌شناختی در علم شناخت، دریافت متخصصان را از مغز و ذهن متحول کرده است. در این رویداد علمی مهم، نظریه استعاره مفهومی نیز جایگاه کانونی داشته است. نزدیک چهار دهه از انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*^۳ می‌گذرد. اگرچه اصول نظریه استعاره بی‌خدشه باقی مانده است، ولی کشفیات علمی جدید دریافت متخصصان را از ماهیت استعاره‌های مفهومی و نقش آن‌ها بسیار عمیق‌تر

1. H. Cuyckens
2. mirror neurons
3. *Metaphors We Live By*

کرده است. لیکاف (۲۰۰۹: ۱) این پرسش را مطرح می‌کند که اساساً در پژوهش درباره استعاره چرا باید به یافته‌های عصب‌شناختی توجه داشته باشیم. به اعتقاد وی آنچه درباره مغز کشف شده است می‌تواند ویژگی‌های استعاره را توضیح دهد. مهم‌ترین پرسش‌ها درباره استعاره به قرار زیر هستند:

استعاره‌های مفهومی چه نقشی دارند؟

چرا ما استعاری فکر می‌کنیم؟

چرا استعاره‌ها در قالب نگاشت‌های بین حوزه‌ای شکل می‌گیرند؟

رابطه بین استعاره‌ها و تجربه‌های عینی ما چگونه است؟

چرا برخی از استعاره‌های مفهومی همگانی‌اند؟

استعاره‌های پیچیده شعری چه رابطه‌ای با استعاره‌های زبان خودکار دارند؟

۱-۲ نظریه عصب‌شناختی زبان و استعاره مفهومی

به اعتقاد لیکاف (۲۰۰۹: ۱۳)، نظریه عصب‌شناختی استعاره می‌تواند به پرسش‌های فوق پاسخ دهد. فلدمن^۱ (۲۰۰۶) نظریه عصب‌شناختی زبان^۲ را ارائه داد. این نظریه بر مبنای دو موضوع مهم بنا شده است: الف) بدن‌مندی و معناشناسی شبیه‌سازی^۳، ب) نورون‌های آینه‌ای. در نظریه عصب‌شناختی زبان، ارتباط بین بدن و مغز حائز اهمیت است. وقتی برخی اعمال حرکتی را تصور می‌کنیم، به یاد می‌آوریم یا در رویا می‌بینیم عمدتاً همان نورون‌هایی درگیر می‌شوند که هنگام حرکت واقعی دخالت دارند. همچنین وقتی دیدن یا شنیدن چیزی را تصور می‌کنیم، به یاد می‌آوریم یا در رویا می‌بینیم، همان نورون‌هایی دخالت دارند که هنگام دیدن یا شنیدن چیزی در واقعیت درگیر هستند.

کشف سیستم نورون‌های آینه‌ای نتایج متعددی به همراه داشت؛ از جمله این‌که به ارائه نظریه یک‌پارچگی زبان انجامید. به بیان دیگر موضوع تفکیک‌پذیری سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی زبان که تا پیش از آن مطرح بود منتفی شد؛ و نیز توجه به پیوند عملکرد نورون‌های آینه‌ای و شبیه‌سازی ذهنی^۴ موجب شد معناشناسی به عنوان کانون زبان‌شناسی

1. J. Feldman

2. Neural Theory of Language

3. simulation semantics

4. mental simulation

قلمداد شود. به قول لیکاف (به نقل از نیلی‌پور ۱۳۹۴: ۳۴) اگر با رویکرد عصب‌شناختی این پرسش مطرح شود که معنا چیست، پاسخ این خواهد بود که معنا نوعی شبیه‌سازی ذهنی است؛ یعنی فعال‌سازی تصویرهای ذهنی‌ای که قبلاً تجربه شده‌اند. پس از شنیدن جمله «او دارد یک لیوان آب می‌خورد» در صورتی می‌توانید معنای آن را دریابید که بتوانید تصویر ذهنی عمل «آب خوردن» و شیء «لیوان» را بازآفرینی کنید. در غیر این صورت نمی‌توانید معنای آن را بفهمید. فلدمن (۲۰۰۶) از نتایج این نوع بررسی‌ها نتیجه گرفت که هنگام درک معنای جمله، آنچه در مغز اتفاق می‌افتد عبارت است از نوعی شبیه‌سازی ذهنی. به بیان دیگر همان نورون‌هایی که در نخستین تجربه فیزیکی فعال می‌شوند در هنگام شبیه‌سازی ذهنی نیز فعال می‌گردند.

پس از دهه ۱۹۹۰ در علم شناخت، استعاره‌ها به‌مثابه شبکه‌های نورونی، ماهیتی کاملاً پذیرفته یافتند. نورون‌های آینه‌ای دسته‌ای از فیبرهای عصبی‌اند که کورتکس پیش‌حرکتی^۱ را به کورتکس پری‌تال^۲ که مسئول تلفیق ادراک‌ها است مربوط می‌کنند. وقتی ما عملی را انجام می‌دهیم یا فردی را می‌بینیم که همان عمل را انجام می‌دهد، نورون‌های آینه‌ای یکسانی درگیر می‌شوند. نورون‌های آینه‌ای ماهیت چندوجهی^۳ دارند؛ به بیان ساده‌تر، نه تنها موقع عمل و ادراک عمل، فعال می‌شوند بلکه هنگام تصور یک عمل نیز درگیر می‌شوند. با کشف نورون‌های آینه‌ای این نتیجه کلی حاصل شد که شبیه‌سازی ذهنی، مبنایی بدن‌مند دارد زیرا همان نورون‌هایی را به کار می‌گیرد که برای انجام اعمال، ادراک و عواطف به کار گرفته می‌شوند.

پرسش مهم در قالب نظریه عصب‌شناختی زبان درباره استعاره‌های مفهومی این است که: رابطه یک‌سویه از مفاهیم حوزه مبدأ^۴ به حوزه مقصد^۵ به لحاظ عصب‌شناختی چگونه تبیین می‌گردد؟ نتایج پژوهش جانسون^۶ (۱۹۹۹) و نیز پژوهش نارایانان^۷ (۱۹۹۷) در کنار هم فرضیه زیر را در پاسخ به پرسش بالا فراهم آورد:

هرگاه حوزه‌های مبدأ و مقصد به‌طور هم‌زمان فعال شوند، مناطق مغزی مربوط به حوزه‌های مبدأ و مقصد فعال خواهند شد. به این ترتیب یک مدار عصبی بین دو حوزه به وجود می‌آید که

1. premotor cortex
 2. parietal cortex
 3. multi modal
 4. source domain
 5. target domain
 6. Ch. Johnson
 7. S. Narayanan

همان استعاره است. گرادی^۱ (۱۹۹۷) چنین استعاره‌هایی را استعاره‌های اولیه^۲ نامید و این‌گونه مطرح کرد که این استعاره‌ها در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به کار می‌روند و فهمیده می‌شوند، زیرا مبنای شکل‌گیری آن‌ها بدن انسان است که در کودکی تجربیات نسبتاً همانندی دارد. زندگی روزمره، تجربه و تحریک مغزی لازم را برای ایجاد نظامی از استعاره‌های اولیه برای انسان‌ها با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به‌وجود می‌آورد که ماهیتی آگاهانه و عامدانه ندارند.

۱-۳ مفروضات اصلی نظریه استعاره

در فصل‌های بعدی به ابعاد مختلف نظریه استعاره مفهومی در قالب نمونه‌های متعددی از زبان فارسی خواهیم پرداخت. در اینجا به منظور آماده ساختن زمینه ورود به مباحث تخصصی درباره استعاره، مفروضات اصلی نظریه استعاره را بر اساس اندیشه‌های لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و لیکاف (۲۰۰۹) ارائه می‌دهیم:

الف) استعاره‌ها نگاشت^۳‌هایی مفهومی هستند و جزئی از نظام مفهومی ذهن محسوب می‌شوند؛ استعاره‌ها صرفاً زبانی نیستند، بلکه در فرهنگ و آداب و رسوم نیز باز نمود پیدا می‌کنند. به یک نمونه از آیین عزاداری در ایران توجه کنید که یکی از استعاره‌های ذهنی را به نمایش می‌گذارد: وقتی جوان از دواج نکرده‌ای از دنیا می‌رود برای او حجله می‌گذارند. این شیء آیینی به حوزه مبدایی تبدیل می‌شود که بر اساس آن استعاره ذهنی [ازدواج به حجله رفتن است] به ذهن متبادر می‌شود.

ب) نظامی وسیع از نگاشت‌های استعاری ثابت و قراردادی وجود دارد.

پ) نظام استعاری، مبنایی بدن‌مند دارد و از عملکرد مغز نشأت می‌گیرد.

ت) منشأ برخی استعاره‌ها در تجربه بدن با محیط پیرامون قرار دارد. برای نمونه نام‌نگاشت^۴ [بیشتر بالا است] بر رابطه اندازه و مقدار و افزایش ارتفاع مبتنی است. لیکاف (۲۰۰۹) به این نمونه اشاره می‌کند: مواجهه با این تجربه روزمره که هرچه مقدار آب درون یک لیوان بیشتر شود ارتفاع آب درون لیوان بالاتر می‌آید به‌طور ناخودآگاه به تعمیمی درباره رابطه مقدار و ارتفاع منتهی می‌شود.

1. J. Grady

2. primary metaphor

3. mapping

4. name of the mapping

- ث) نگاهش‌های استعاری بین حوزه‌های مفهومی روی می‌دهند. برای نمونه در نام‌نگاشت [عشق گرما است] دو حوزه مفهومی عواطف و دما به هم مربوط شده‌اند.
- ج) نگاهش‌ها ممکن است تعمیمی از یک تجربه خاص به حوزه‌های شناختی کلی‌تر باشند. برای نمونه، نام‌نگاشت خاص [رقابت مسابقه اسب‌سواری است] می‌تواند مبنای یک تعمیم استعاری واقع شود که براساس آن مفهوم انتزاعی رقابت بر مبنای مفهوم کلی مسابقه دادن دریافت می‌شود و به این ترتیب سایر مفاهیم این حوزه مفهومی مانند باختن، بردن، پیشی گرفتن، جا ماندن و جز آن نیز در استعاره‌های «رقابت» شرکت می‌کنند.
- چ) عبارت‌های زبانی متفاوتی برای بیان جنبه‌های مختلفی از یک استعاره ذهنی به کار می‌روند. مثلاً عبارت‌های «صید عشق»، «عاشق در دام افتاده» و «تیر عشق» همه باز نمود استعاره [عشق شکار است] هستند.
- ح) گاهی برای یک واژه، استعاره مفهومی‌ای به کار گرفته می‌شود؛ در حالی که آن واژه در عبارت مورد نظر به کار گرفته نشده است. برای نمونه عبارت استعاری «حسابی جوش آورده بود» مفهوم‌سازی در حوزه خشم را می‌نمایاند، ولی واژه خشم یا سایر واژه‌های هم‌حوزه آن در این عبارت استعاری به کار نرفته است.
- خ) بسیاری از استعاره‌های مفهومی در ناخودآگاه شناختی ما ریشه دارند و به طور خودکار فراگرفته می‌شوند و به کار می‌روند.
- د) انسان‌ها استعاره‌های مفهومی را همان واقعیت فرض می‌کنند و براساس آن واقعیت استعاری زندگی می‌کنند.
- ذ) مفاهیم و مفروضات حوزه مقصد در نتیجه فرایند استعاره شکل می‌گیرند.
- ر) تعمیم الگوهای استنباطی و تعمیم واحدهای واژگانی، داده‌های اصلی برای شکل‌دهی به استعاره‌های مفهومی هستند.

۱-۴ جمع‌بندی مطالب

به‌عنوان پیش‌زمینه به این موضوع پرداختیم که شواهد عصب‌شناختی برای وجود استعاره‌های مفهومی موجب شد این موضوع در مقایسه با سایر موضوعات معناشناسی شناختی اهمیتی ویژه بیابد. علاوه بر آن با ارائه نظریه عصب‌شناختی زبان (فلدمن ۲۰۰۶) استعاره‌های مفهومی، به‌ویژه استعاره‌های اولیه که در فصل ۹ کتاب حاضر به آن پرداخته می‌شود، به جزء مهمی از نظریه

۶ استعاره و شناخت

عصب‌شناختی زبان تبدیل شد. در سطوری که مورد مطالعه قرار گرفت پرسش‌هایی مهم دربارهٔ استعارهٔ مفهومی را مطرح کردیم و نیز اصول کلی نظریهٔ استعارهٔ مفهومی را معرفی نمودیم.

فصل دوم

استعاره مفهومی چیست؟

۱-۲ مقدمه

لیکاف و جانسون در کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم* (۱۹۸۰) استعاره‌های مفهومی را معرفی کردند. البته اولین بار مایکل ردی^۱ در سال ۱۹۷۹ در مقاله «استعاره مجرا»^۲ تعریف جدیدی از استعاره ارائه داد و پیشنهاد کرد که سطح تحلیل استعاره‌ها ذهن است و نه زبان. لیکاف در آثار دیگری مانند کتاب *زنان، آتش و چیزهای خطرناک: مقولاتی که در باب ذهن توضیح می‌دهند*^۳ (۱۹۸۷) و «نظریه معاصر استعاره»^۴ (۱۹۹۳)، به استعاره به مثابه ابزار تفکر و جهان‌بینی و نه صرفاً یک آرایه زبانی و ادبی پرداخت.

از دهه ۸۰ میلادی به بعد، استعاره همواره به عنوان موضوعی مهم در معناشناسی شناختی مطرح بوده است؛ معناشناسی به عنوان کانون زبان‌شناسی شناختی، مطالعه معنای زبانی را به هدف بررسی رابطه زبان و ذهن دنبال می‌کند و استعاره‌های مفهومی به خوبی جنبه‌های مهمی از این رابطه را می‌نمایانند. اگرچه نقطه آغاز نگاه جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی رویکردی بود که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مطرح کردند، ولی از آن زمان به بعد، زبان‌شناسان شناختی نظیر سوییتزر^۵ (۱۹۹۰)، ترنر^۶ (۱۹۹۱) و کووچش (۲۰۰۲) ابعاد تازه‌ای به پژوهش

-
1. M. Reddy
 2. The Conduit Metaphor
 3. *Women, Fire and Dangerous things*
 4. Contemporary theory of Metaphor
 5. E. Sweetser
 6. M. Turner

درباره استعاره افزودند. چنان که در فصل ۱ کتاب حاضر اشاره شد یافته‌های عصب‌شناختی، به خصوص کشف نورون‌های آینه‌ای، جهت جدیدی به پژوهش درباره استعاره بخشیده است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۸) معتقدند شناخت حوزه‌های مفهومی ذهن، مبنای استعاری دارد و نظام مفهومی^۱ محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقشی اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام، ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد. برای نمونه، یکی از تجربه‌های عادی در زندگی روزمره این است که تار شدن سطح شیشه مانع درست دیدن می‌گردد. همین تجربه روزمره به ایجاد عبارتهای استعاری پرمغزی، دست‌کم در زبان فارسی انجامیده است؛ مانند این بیت از غزلیات حافظ: «بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا مپسند که مکرر شود آینه مهرآینم»

لیکاف و جانسون (همان: ۱۰) بر این نکته تأکید کردند که الگوهای تولیدکننده عبارتهای استعاری در زبان واقع نیستند بلکه جایگاهشان در اندیشه است و به لحاظ شناختی، استعاره‌ها نگاشت‌های تعمیم یافته‌ای هستند که میان حوزه‌های مفهومی، ارتباط برقرار می‌کنند. در این رویکرد جدید، استعاره از ویژگی‌های عملکرد ذهن است و درک مفهومی انتزاعی را بر مبنای مفاهیم متعلق به یک حوزه شناختی تجربه‌پذیر می‌سازد (گرادی ۲۰۰۷: ۱۸۹).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهایی ذهنی‌اند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (کووچش ۲۰۱۰: ۶۳). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می‌کنند. زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق باز نمودهای زبانی آن‌ها می‌باشند. آن‌ها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارتهای استعاری را به عنوان شاهدی جهت وجود استعاره‌های مفهومی ذهنی مورد تحلیل قرار می‌دهند. استین^۲ (۱۹۹۴)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و باز نمود زبانی آن‌ها را استعاره‌های زبانی^۳ می‌نامد. به این ترتیب، استعاره‌های زبانی باز نمود استعاره‌های ذهنی‌اند. برای نمونه، بیابید یکی از چنین استعاره‌های ذهنی‌ای را مورد توجه قرار دهیم که به نظر می‌رسد بیش از آنکه فرهنگی باشد شناختی و همگانی است.

1. Conceptual system

2. G. Steen

3. Linguistic metaphors